

شهر تجلی فضایی نظام‌های اقتصادی - اجتماعی و کالبدی حاکم بر شهروندانش است. این نظام‌ها مناسباتی دیالکتیکی بین شکل و عملکرد شهر برقرار می‌کنند و موجب پویایی مستمر شهر می‌شوند. بر این اساس، شهر را می‌توان هم علت و هم معلول دانست. از یک سو محیط زایش، پرورش و گسترش پدیده‌های نو است و از سوی دیگر، تحت تأثیر آنها - چه زاده محیط درونی و چه برون‌زا - قرار گرفته و متحول می‌شود. امروزه با توجه به پیوندهای فراگیر جهانی و نظام‌های باز شهری، درک تحولات و پویای شهر بدون نگاه جهانی اگر ناممکن نباشد دستکم کامل نیست. هدف این نوشتار افکندن نگاهی گذرا به فرآیند جهانی‌شهرنشینی و پیامدهای جهانی شدن برای طرح مسأله‌ای ویژه کشورهای «جنوب»^۱ است و در واقع تلاشی است برای جلب توجه پژوهشگران شهری کشورمان به این مسأله و برقراری گفتگویی برای یافتن راه‌حل‌ها.

شهری شدن جهان و توسعه‌ای ناپایدار

یکی از پای‌ورزترین فرآیندهای جامعه بشری، فرآیند شهرنشینی بوده که در سده بیستم شتاب بیشتری یافته است. سده بیستم میلادی در حالی آغاز شد که تنها ده درصد جمعیت زمین، شهری محسوب می‌شدند و نزدیک به ۱۵۰ میلیون نفر در شهرها زندگی می‌کردند. لیکن آغاز سده بیست‌ویکم میلادی با بیش از ۳ میلیارد نفر شهرنشین یعنی فراتر از ۵۰ درصد جمعیت زمین، به‌عنوان شروع جهانی شهری قلمداد می‌شود.^۲ در گذر نیم قرن اخیر، جمعیت شهری «جنوب» از ۲۸۷ میلیون نفر (۱۷ درصد کل جمعیت) در سال ۱۹۵۰ به حدود ۲ میلیارد نفر (۴۰ درصد جمعیت) در سال ۲۰۰۰ رسیده است. قریب ۹۰ درصد رشد جمعیت شهری جهان در طول دهه گذشته در کشورهای «جنوب» رخ داده است. این شهرنشینی شتابان

الگویی نامتوازن داشته که به افزایش سهم شهرهای میلیونی انجامیده است. برای نمونه، در سال ۱۹۷۰ از ۲۰ کلانشهر با جمعیت بیش از ۵ میلیون نفر، ۱۱ مورد آن در «جنوب» بوده ولی در سال ۲۰۰۰ از ۴۵ کلانشهر از این دست، ۳۴ مورد در «جنوب» قرار گرفته و به بیانی دیگر، ۲۳ مورد از ۲۵ کلانشهر اضافه شده در این سی سال، متعلق به «جنوب» بوده است.^۳

بدین‌سان آشکار است که فرآیند شهری شدن جهان با شتابی بیشتر در «جنوب» جریان دارد و در این فرآیند، کلانشهرهای بیشتر و بزرگتری پدید می‌آید. اما شهرنشینی شتابان و بویژه رشد کلانشهرها در «جنوب» پیامدهای مشکل‌آفرینی داشته که دقیق‌تر آنست گفته شود بیشتر آشکارکننده مشکلات نهفته در روستاها (همچون بیکاری، فقر، بدمسکنی و خدمات ناکافی) بوده است تا آنکه خود موجب آنها باشد. با این حال، از دیدگاه بوم‌شناسی این فرآیند به‌صورت کنونی سخت مخاطره‌آمیز است زیرا الگوهای مصرف، تولید و توزیع ناسازگارتری با طبیعت را رواج می‌دهد که تهی‌سازی منابع طبیعی و آلودگی محیط‌زیست را شدت می‌بخشد. فزاینده شدن کلانشهری «جنوب» با توجه به کاهش توان دولت‌ها در پاسخگویی به نیازهای شهروندان، بحران‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی را قریب‌الوقوع نشان می‌دهد که هشدار بر ناپایداری آنهاست.^۴ مسأله اساسی شهری شدن «جنوب»، چشم‌انداز توسعه‌ای ناپایدار بویژه در کلانشهرهای با روال کنونی است.

جهانی شدن شهرها و تغییر ساختارها

در گذر سالیان اخیر، فرآیندی با شتاب روزافزون در جهت یکپارچگی اقتصادی، افزایش تشابهات فرهنگی و مرززدایی سیاسی در سطح جهان و عمدتاً از سرچشمه «شمال» در جریان است که تحت عنوان «جهانی شدن»

شهری شدن جهان و جهانی شدن شهرها: طرح مسأله‌ای برای «جنوب»

دکتر مظفر صرّافی
استادیار گروه جغرافیای
دانشگاه شهید بهشتی

(Globalization) از آن نام برده می‌شود. «جهانی شدن» موجب دگرگونی‌های ساختاری در شهرنشینی و شهرسازی «جنوب» شده و بیش از این نیز خواهد شد. چنانچه دغدغه پایداری توسعه «جنوب» را داشته باشیم، بررسی «جهانی شدن» و پیامدهای شهری آن ضروری است. لیکن نخست مروری گذرا بر پدیده‌هایی که در تجمع و تعامل، بستر ساز «جهانی شدن» شده‌اند لازم است که در زیر به آن‌ها اشاره شود:

● تحولات جهشی فن‌آوری‌های ارتباطی - رایانه‌ای منجر به ایجاد فضای تازه‌ای در جهان شده است که با حداقل نمودن محدودیتهای زمانی بر تنگناهای جغرافیایی چیره شده است. به سخن دیگر، فشرده‌سازی زمان و مکان در فضای جریانه‌ها (به تعبیر مانوئل کاستلز) چنان رخ داده است که فضایی مجازی و تقریباً بدون زمان و مکان به وجود آمده است.^۵

● فضای مجازی گفته شده که فضایی الکترونیک و دیجیتال (Cyber Space) است، اقتصاد جهانی جدیدی پدید آورده است. این اقتصاد را بی‌وزن و بی‌مرز نامیده‌اند. در این اقتصاد، ردوبدل کردن اطلاعات بر تبادل کالا برتری یافته و ارزش افزوده اصلی به فرآیند اطلاعاتی و نه تولید کالا بستگی دارد. کل اقتصاد مالی و بخش‌هایی از خدمات که بخش بالنده اقتصاد جهانی است، اقتصادی بی‌وزن است؛ یعنی جابجایی بیشتر کالا را نمی‌طلبد و برای نمونه، با فشار دادن دکمه رایانه‌ای، سرمایه‌های عظیمی در جهان در یک لحظه جابجا می‌شود.^۶ همچنین جریان اطلاعات، سرمایه، خدمات و کالا روز به روز با آزادی بیشتری مرزهای جهان را درمی‌نوردد که نمود آشکار آن در مذاکرات سازمان تجارت جهانی است.

● مرزهای فیزیکی در برابر امواج الکترونیک و ارتباطات لحظه‌ای مانعی جدی محسوب نمی‌شود. عوامل فرامرزی خارج از اختیار دولت‌ها تأثیرات تعیین کننده‌ای دارد و بیشتر در چنگ شرکت‌های چندملیتی است. نقش دولت‌ها از دستور و کنترل به سوی تسهیل

و بازیگری کشیده می‌شود و جهانی‌گريزان (به تعبیر آنتونی گیدنز) شکل گرفته که آینده آن قابل پیش‌بینی نیست. دولتهای ملی تضعیف می‌شوند و واحدهای فضایی جدیدی بنابر تقاضای اقتصاد جهانی به صورت منطقه - کشورها (به تعبیر کنیچی اومای) شکل می‌گیرند که کلانشهرهای آنها بیشتر در یکپارچگی با اقتصاد جهانی است تا با منطقه خود و اقتصاد ملی.^۷

● جهانی شدن جغرافیای ویژه‌ای دارد که مناطق کلانشهری را به‌عنوان کانون توسعه خود گلچین می‌کند و آنها را در شبکه‌ای جهانی یکپارچه می‌سازد. این کلانشهرها مرکز اطلاعات، تولید اندیشه و ستاد مدیریت (برای تولید و توزیع پراکنده در سطح جهان) هستند و خدمات برای تولیدکننده و خدمات مالی بیشترین نقش را در آنها دارد.^۸ اینگونه کلانشهرها مرکز مدیریت فرآیند تولید است نه آنکه مکان تولید باشد و در واقع تولید غیرمتمرکز با متمرکز شدن مدیریت تولید همراه است.

بنابراین، فرآیند جهانی شدن امکان‌پذیر یا احراز کارکردهای تازه‌ای برای شهرها، و بطور مشخص برای کلانشهرها فراهم آورده است. این کارکردها (به تعبیر ساسکیا ساسن) شهر را: (۱) مرکز بسیار متمرکز فرماندهی و اتصال با اقتصاد جهانی، (۲) مکان کلیدی برای تأمین سرمایه و شرکت‌های خدمات تخصصی سطح بالا، (۳) محیط نوآوری‌ها در صنایع پیشرو، و (۴) بازار مهم عرضه محصولات و نوآوری‌ها می‌نماید.^۹ از این رو، تجدید ساختارهای در حال وقوع در شهرهای «جنوب» باید در پرتو این کارکردهای جهانی شدن نگریسته و تحلیل شود. هرچند باید تأثیرگذاری متقابل شهرها با توجه به هویت فرهنگی و جغرافیای آنها را نیز در نظر داشت. از این منظر، مسأله عبارت است از شناخت تحولات ساختاری شهرهای «جنوب» در اثر فرآیند جهانی شدن به‌منظور هدایت ارادی آن به سوی توسعه‌ای همه‌جانبه. انفعال و چشم بستن بر این فرآیند مساوی است با دستخوش تلاطمی ناخواسته شدن با پیامدهای ناروشن.

○ «جهانی شدن» جغرافیای ویژه‌ای دارد که بر پایه آن مناطق کلانشهری به‌عنوان کانون گسترش جهانی شدن گلچین و در شبکه‌ای جهانی یکپارچه می‌شوند. این کلانشهرها مرکز اطلاعات، تولید اندیشه و ستاد مدیریت هستند و خدمات برای تولیدکننده و خدمات مالی بیشترین نقش را در آنها دارد.

چهره دوگانه جهانی شدن شهرها

خودی، راهگشای همبستگی بین‌المللی (مصدق دهکده جهانی) به جای وابستگی (مصدق مکان تاراج جهانی) می‌شود. البته چنین روالی تاکنون اغلب برای کلانشهرهای «شمال» و معدودی کلانشهر در «جنوب» پیش آمده است. بطور کلی فراوانی جنبه‌های منفی جهانی شدن برای کشورهای «جنوب» باعث شده است که سازمان‌های جهانی «چهره انسانی دادن به جهانی شدن» را سرلوحه کار خود قرار دهند.^{۱۲}

فرضیه‌ای برای رام کردن جهانی

شدن شهرها

در عصری که شهری شدن جهان با شتاب ادامه دارد، فارغ از خواست ما جهانی شدن شهرها نیز شتابان به پیش می‌رود؛ فرآیندی که بیمها و امیدهای بسیار برانگیخته و می‌تواند پیامدهای متضادی به بار آورد. فرصتی تاریخی در اختیار دولت‌ها، مدیران و برنامه‌ریزان شهری است تا برای تحقق روال مطلوب و پیامدهای مثبت جهانی شدن تلاش کنند؛ مقابله‌جویی و نفی بیهوده این پدیده را کنار گذارند و به جستجوی راه مشارکت مثبت و سنجیده در این فرآیند برای دستیابی به توسعه پایدار بپردازند.

جدا از مباحث این نوشتار، لازم است یادآوری شود که فرآیند جهانی دیگری نیز در سطح جوامع و توده‌ها در دفاع از هویت بومی و در جهت تشدید محلی‌گرایی مشاهده می‌شود که از آن تحت عنوان «محلی شدن» (Localization) نام برده می‌شود.^{۱۳} این فرآیند قابلیت استفاده برای تحقق چهره انسانی جهانی شدن دارد. به سخن دیگر، چنان‌که پیشتر اشاره شد مسأله اساسی «جنوب»، توسعه ناپایدار در فرآیندهای شهری شدن و جهانی شدن آن است. راهبرد محوری در این ارتباط، اعمال حاکمیت (کنترل، نظارت و مشارکت) شهروندانی است که در قلمرو جوامع محلی خود، پایداری زیست-بومشان را مد نظر دارند و نیز مورد حمایت دولت

پژوهش‌های بسیار طی دهه اخیر درباره فرآیند جهانی شدن شهرها، بر مشکل آفرینی‌های این پدیده در کنار ایجاد فرصتهای توسعه دلالت دارد. فضای منتخب جهانی شدن در شهرها محدود و بر خورداری از جهش کیفی آن منحصر به قشری کوچک است. دوگانگی اقتصاد «جنوب» تشدید شده و در گسترش دو سطحی شدن زندگی شهری تجلی می‌یابد.^{۱۰} فقر و بیکاری همراه با غنا و کارهای پردرآمد رشد می‌کند. حضور شرکتهای چندملیتی با نداشتن تعلق خاطر به بوم و عدم الزام به پاسخگویی محلی و ملی، باعث بهره‌کشی بی‌رحمانه از منابع طبیعی می‌شود. رقابت سهمگینی بین شهرها در جذب سرمایه‌های سیال بین‌المللی در می‌گیرد که یکپارچگی منطقه‌ای و وحدت ملی را مخدوش می‌کند. جهانی شدن در بُعد فرهنگی، در رابطه‌ای یک سویه، به آمریکایی شدن بیشتر شباهت پیدا کرده و از شکوفایی فرهنگهای بومی و کثرت‌گرایی جلوگیری می‌نماید. و سرانجام کلانشهرهای غوطه‌ور در این فرآیند به پایگاه‌های تاراج جهانی و حداکثر، به جزایر نیک‌بختی در اقیانوس نگون‌بختی بدل می‌شوند و باز هم مسأله اساسی شهرنشینی «جنوب» ناپایداری توسعه آن خواهد بود.

آنچه گفته شد، روالی از جهانی شدن است که بر پایه نئولیبرالیسم غرب (با تفوق ایالات متحده) در برخی کلانشهرهای «جنوب» هویدا است. لیکن جهانی شدن در بعضی کلانشهرهای جهان، چهره و روال دیگری را نیز به نمایش گذاشته که حاکی از قابلیت‌های متضاد این فرآیند است. در این روال، کلانشهر همچون پل ارتباطی میان توسعه جهانی و توسعه ملی و منطقه‌ای، دوسویه عمل نموده و انتشار عوامل توسعه‌آفرین به دیگر نواحی کشور را پشتیبانی می‌کند.^{۱۱} کلانشهر با مشارکت فعال در نظام جهانی و پاسداری از هویت فرهنگی اجتماعات

○ حضور شرکتهای چندملیتی در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، در سایه نبود تعلق خاطر به بوم و نبود الزام به پاسخگویی محلی و ملی، باعث بهره‌کشی بی‌رحمانه از منابع طبیعی می‌شود. نیز رقابت سهمگینی بین شهرها برای جذب سرمایه‌های سیال بین‌المللی در می‌گیرد که یکپارچگی منطقه‌ای و وحدت ملی را مخدوش می‌کند.

○ فرآوانی آثار منفی جهانی شدن برای کشورهای «جنوب»، سبب شده است که سازمانهای جهانی «چهره» انسانی دادن به روند جهانی شدن را سرلوحه کار خود قرار دهند.

tion Prospects. Population Division, New York.

4. Hall, Peter (1998). "Globalization and the World Cities" in: **Globalization and the World of Large Cities**. F.Lo & Y.Yeung (eds.). United Nations University Press, Tokyo. pp.17-36.

5. Castells, Manuel (1996). **The Information Age, Vol. 1: The Rise of the Network Society**. Basil Blackwell, Oxford.

۶. گیدنز، آنتونی (۱۹۹۹). «گفتاری درباب فرآیند فروریختن مرزهای ملی و بومی در جهان» ترجمه ملیحه مغازه‌ای در: روزنامه بهار، دوم مرداد ۱۳۷۹ صفحه ۸.

۷. اوسای، کنیچی (۱۹۹۵). «اولویت منطق جهانی» ترجمه رضارضائی در: فصلنامه فراز، پائیز و زمستان ۱۳۷۵ صفحات ۲۲ تا ۲۶.

8. Sassen, Saskia (1991). **The Global City**. Princeton University Press, Princeton.

۹. منبع پیشین.

10. Short, J. R. & Y. H. Kim (1999). **Globalization and the City**. Longman, Harlow & Harvey, David (1997). **Justice, Nature & the Geography of Difference**. Blackwell, Oxford.

۱۱. صرافى، مظفر (۱۳۷۷). «تمرکززدایی کلانشهرهای کشورهای جنوب» در: ماهنامه معماری و شهرسازی، شماره‌های ۴۸ و ۴۹ صفحات ۳۳ تا ۴۵.

12. United Nations Development Programms (1999). **Human Development Report 1999**. Oxford University Press, Oxford.

13. World Bank (1999). **Entering the 21st Century: World Bank Report**. Oxford University Press, Oxford.

۱۴. صرافى، مظفر (۱۳۷۷). مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای. سازمان برنامه و بودجه، تهران. صفحات ۱۳۶ تا ۱۴۷.

۱۵. جامعه شبکه‌ای (Network Society) اصطلاحی است که کاستلز به کار برده است. او می‌گوید دیگر ساختار جامعه صنعتی حول نقاط محوری خود نبوده و نظامی متشکل از نقاط پراکنده و شبکه‌ای شده در جامعه اطلاعاتی در جهان در حال شکل‌گیری است تا جریان انتقال مازاد برای سرمایه‌داری جهانی را سازمان دهد. (پیام یونسکو، دی ۱۳۷۸، صفحات ۴۰ تا ۴۲).

ملی می‌باشند. ۱۴ در این صورت امید می‌رود که با تلفیقی از سیاستهای مبتنی بر حفظ هویت فرهنگی جوامع و ارزشهای جهانشمول بشری، و همچنین با بهره‌مندی عادلانه جوامع از مواهب توسعه در کنار رشد سریع و کارآیی ناشی از همبستگی جهانی، این مهم جامه عمل پوشد.

جهانی شدن به تقویت وابستگی مکان‌ها، کارکردها و اقشار محدود و منتخبی در «جنوب» می‌انجامد که در پیوندی عمدتاً یک‌سویه و فرامرزی با مراکز «شمال» قرار می‌گیرند. به گفته مانوئل کاستلز، «جامعه شبکه‌ای» و «فضای جریانها» پیکره‌بندی جهانی جدیدی است که کارکرد آن انتقال چیزهایی است که برای نظام سرمایه‌داری جهانی با ارزش است. ۱۵ مهار کردن پیامدهای منفی جهانی شدن که به حاشیه‌ای شدن اکثریت باشندگان جوامع محلی و از هم گسیختگی همبستگی ملی می‌انجامد، با همان راهبرد اعمال حاکمیت شهروندان از طریق نهادهای مدنی برآمده از قلمروهای محلی میسر است.

در برابر مسائلی که در رابطه با ناپایداری به آنها اشاره شد، فرضیه پایانی این نوشتار این است: جهانی شدن شهرها توأم با محلی ماندن جوامع امکان‌پذیر و تحقق توسعه پایدار شهری در گرو تلفیق این دو است؛ چالشی که تا دستیابی به راهکارهای اجرایی، همچنان پیش‌روی سیاستگذاران شهری خواهد بود.

پانوشتها و منابع:

۱. اصطلاح کشورهای «جنوب» و یا «جنوب» به تنهایی معادل کشورهای جهان سوم، در حال توسعه، کمتر توسعه‌یافته و مانند اینها به کار رفته و در مقابل از اصطلاح «شمال» برای کشورهای توسعه‌یافته، صنعتی و مانند اینها استفاده شده است.

2. United Nations Centre for Human Settlements (1996). **An Urbanizing World**. Oxford University Press, Oxford.

3. United Nations (1995). **World Urbaniza-**